### تجربه‌ای از خصوصی سازی در ساختاری مبتنی بر اقتصاد روستایی

# خصوصی سازی در ازبکستان

سید حسین امامی

**اشاره:**
**با توجه به سیاست های ابلاغی اصل ۴۴ از سوی مقام معظم رهبری، بسیاری از بنگاه های دولتی باید به بخش خصوصی واگذار شود. مسلماً در این دوران گذار، بررسی تجربه کشورهای دیگر بسیار مهم و مفید خواهد بود. تجربه کشور ازبکستان در دوره گذار و بررسی روند واگذاری بنگاه های دولتی به بخش خصوصی از نگاه «کیت گریفین»، در این نوشتار مورد توجه قرار گرفته است.**
**کیت گریفین پروفسور اقتصاد دانشگاه کالیفرنیا است . وی قبلاً رئیس کالج مگ دالان آکسفورد بود و به عنوان مشاور در کشورهای مختلف جهان و مؤسسات دانشگاهی در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین کار کرده است. او یکی از اعضای کمیسیون جهانی توسعه و فرهنگ بود و کتاب های «راهبردهای جایگزین برای توسعه اقتصادی»، «فقر و انتقال به اقتصاد بازار در مغولستان» و «توزیع درآمد در چین» را تألیف کرد.**
**وی در سال ۱۹۹۴ از سوی خالد ملک، نماینده UNDP در تاشکند و سمیر رادوان، کمیسر ارشد اداره ILO در ژنو به ازبکستان دعوت شد تا گزارشی درمورد سیاست اجتماعی در دوران انتقال به اقتصاد بازار تهیه کند. آنچه در ادامه می آید، خلاصه ای از این گزارش است.**

■ **اقتصاد ازبکستان قبل و بعد از اصلاحات**

ازبکستان حیات خود را به عنوان یک کشور مستقل با یک شوک بزرگ آغاز کرد. این کشور پس از استقلال از اتحادجماهیر شوروی سابق و از دست دادن کمک های انتقالی دریافتی از آن کشور، بیش از ۱۹ درصد تولید داخلی خود را از دست داد. این کمک های انتقالی قسمت بزرگی از هزینه های دولتی را تأمین می کرد و به ازبکستان این توانایی را می داد که قسمت عمده خدمات عمومی و سرمایه های انسانی را تأمین کند.

درصد باسوادی بزرگسالان، زنان و مردان، ۹۷/۲ درصد بود. میانگین سال های تحصیل، ۹ سال و یا حتی بیشتر بود که تقریباً برای مردان و زنان مساوی بود. امید به زندگی ۶۹ سال و متوسط درآمد اگرچه با توجه به استانداردهای شوروی سابق، پائین بود اما قابل مقایسه با کشورهای آسیایی همسایه بود و تولید ناخالص ملی سرانه نزدیک به ۹۶۰ دلار بود.

علاوه بر شوک ناشی از کمک ها، مشکلات جدی نیز از اختلال در الگوهای تجاری ناشی شد، که در کوتاه مدت باعث وخیم تر شدن رابطه مبادله خارجی ازبکستان شد. ازبکستان برای واردات نفت خام وابسته به اتحاد جماهیر شوروی بود. این کشور نفت خام را بسیار پائین تر از قیمت جهانی تهیه می کرد. وقتی این کشور به استقلال رسید قیمت نفت خام وارداتی افزایش یافت و به دنبال آن رابطه مبادله وخیم تر شد. با وجود این، عوامل خنثی کننده ای نیز وجود داشتند.

۱ـ کمک های خارجی از منابع غیر از روسیه به سرعت افزایش یافت و تا سال ۱۹۹۲ جریان ورود سرمایه بالغ بر ۸ درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل می داد.

۲ـ حجم تجارت بین ازبکستان و اتحاد شوروی سابق به سرعت بهبود یافت و کمبود واردات مواد اولیه که ممکن بود تولید را مختل سازد، به وجود نماید. با این وجود، نظام پرداخت های تجاری اتحاد شوروی سابق کماکان به صورت یک مشکل باقی ماند. این امر باعث شد سیلی از موافقتنامه های پایاپای تجاری و کنترل های تجاری برقرار شود.

۳ـ در پاسخ به افزایش قیمت نسبی نفت خام وارداتی، ازبکستان قادر شد تولید داخلی نفت خام را افزایش دهد و به سرعت به سمت خودکفایی پیش برود.

۴ـ قبل از استقلال، تولید معادن بزرگ ازبکستان به راحتی به شوروی حمل می شد. این روند صادرات را می توان صادرات بدون برگشت ارزش واقعی یا عنصر حذف شده پنداشت که به مطلوب ساختن رابطه مبادله کشور کمک می کرد.

ازبکستان در ابتدای اصلاحات سالانه ۷۰۰ میلیون دلار از معادن طلا درآمد کسب کرد و تولید به سرعت در حال افزایش بود، نهایتاً تکان تجارت خارجی با تأکید بر استقلال سیاسی، امکان جست وجوی شرکای تجاری جدید و همچنین منابع ارزان عرضه کالاها و خدمات مبادله شده بین المللی، اکتشاف منابع تکنولوژی و در صورت تمایل کسب سرمایه های مالی خارجی و توسعه، بازار صادرات بر پایه سودآوری را برای ازبکستان فراهم آورد.

> خصوصی سازی در حالی آغاز شد که اقتصاد ازبکستان به شدت به تجارت خارجی وابسته است. نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۹۲ برابر ۴۹/۷ درصد بود

با وجود این اصل، تورم سریع سازوکار قیمت ها را مختل می سازد و حصول به منافعی را که یک اقتصاد مبتنی بر بازار ممکن می سازد را بسیار دشوار می کند. این موضوع بخصوص در دوره آزادسازی قیمت ها که قبلاً براساس ضوابط اداری تورم شتابان همه قیمت ها به طور پیوسته افزایش نمی یابند، بلکه قیمت ها در طول سال در مواقع مختلف تغییر می کنند.

برخی با وقفه عمل می کنند و به یکباره افزایش شدیدی نشان می دهند. نتیجه این است که قیمت های نسبی به صورت غیرقابل کنترل در سال تغییر می کنند و تغییرات در قیمت های نسبی می تواند بسیار شدید باشد. این امر به تولیدکنندگان درمواقع تصمیم به سرمایه گذاری و تولید افزوده می شود. تورم شتابان ناطمینانی زیادی را در فرآیند تصمیم گیری ایجاد می کند و باعث کاهش سرمایه گذاری و نرخ رشد می شود.

در این صورت اقتصاد مبتنی بر بازار نمی توان هم تورم شتابان و هم پیش به سوی رشد را نادیده گرفت، تثبیت مهم تر است. ثالثاً تورم شتابان به طور اجتناب ناپذیری با تغییرات غیرعادلانه توزیع درآمد همراه می شود.

هرگونه تغییر در قیمت های نسبی بستگی دارد. قیمت های نسبی بالاتر برای برخی محصولات خدمات، تولیدکنندگان را به گسترش و توسعه تولید و مصرف کنندگان را به کاهش تقاضا تشویق می کند.

قیمت های نسبی پائین تر با کاهش سود باعث تحریک تولیدکنندگان به کاهش میزان تولید می شوند و منابع را به موارد استفاده دیگر سوق می دهند. از سوی دیگر، مصرف کنندگان الگوی مصرف را به نفع اجناس ارزانتر تغییر می دهند. قیمت های نسبی، منافع و هزینه های اجتماعی را دقیقاً منعکس می کند. تخصیص منابعی که در پاسخ به تغییرات در قیمت های نسبی انجام می گیرد باید به سمت افزایش کارایی، بازدهی و درآمد عمومی بالاتر و بهبود میانگین سطح زندگی سوق داده شود.

قیمت های نسبی باعث تغییر در ترکیب بهینه تولید و تغییر در الگوی پاداش ها و توزیع درآمدها می شود. وقتی قیمت ها از کنترل خارج شد، تغییرات در دستمزدها و درآمدها نیز غیرقابل کنترل می شود. آنهایی که درآمد ماهانه ثابت دارند، مثل بازنشستگان، قطعاً از این وضع رنج خواهند برد. همچنین کارگران شاغل معمولی و تجار کوچک نیز در فشار خواهند بود. نهایتاً به دلیل ۱ـ ناتوانی در ثبات قیمت ۲ ـ تأثیر معکوس تورم بر طرح های سرمایه گذاری و ۳ ـ تغییرات غیرقابل کنترل در توزیع درآمدها و نرخ های بالای تورم احتمالاً موجب نارضایتی سیاسی شده، به نحوی که به طور کلی حمایت عمومی را برای فرایند تعدیل خنثی می سازد. بنابراین، تثبیت قیمت در سطح معقول و عادلانه شرط لازم برای موفقیت است. اگرچه ثبات قیمت ها به تنهایی کافی نیست.

■ **قیمت های راهبردی و ترکیب کارایی سرمایه گذاری**

همه قیمت ها به یک اندازه مهم نیستند. برخی قیمت ها به خاطر این که بر عملکرد کلی اقتصادی مؤثرترند و جنبه راهبردی دارند، تأثیرگذارتر هستند. بنابراین کیت گریفین مطالعه موردی ازبکستان را با به واردات موادغذایی و طیف وسیعی از کالاهای اساسی، تجهیزات سرمایه ای، نهاده های تولید و لوازم یدکی است. در سال ۱۹۹۳ نسبت واردات به تولید ناخالص داخلی ۶۰/۲ درصد بود. بنابراین لازم است بازار ارز خارجی این کشور عملکرد مناسبی داشته باشد. با در نظر گرفتن اندازه و مشخصات بخش تجارت خارجی در اقتصاد ازبکستان، این امری حیاتی است که ارز خارجی محدود، به مواردی اختصاص داده شود که بتوان از آن به نحو کاراتری استفاده کرد تا موجب ایجاد ضدانگیزش ها نشود که افراد را از به کارگیری ارز در توسعه تولید برای صادرات منصرف سازد. کار مهم این است که به طور تصنعی عرضه ارز خارجی کم شود و سپس ارز موجود به طور نیمه کارا و غیرمنصفانه تخصیص داده شود. در این چارچوب وسیع، سیاست نرخ ارز بالاترین اولویت را در اصلاحات بازار دارد. یک نرخ یکسان ارز با قابلیت دسترسی آزاد و با قابلیت تسعیر، یکی از کلیدهای اساسی افزایش سطح سرمایه گذاری، افزایش بهره وری سرمایه، افزایش رشد اقتصادی و جلوگیری از کاهش سطح زندگی به شمار می رود.

■ **بازار سرمایه مالی**

یک سیستم بانکی ضعیف، انتقال به اقتصاد مبتنی بر بازار را مشکل تر می سازد و متأسفانه ازبکستان دارای سیستم بانکی ضعیفی است. یک نمونه غیرکارا از الگوی سرمایه گذاری مربوط به سال ۱۹۹۳ است. با وجودی که میزان سرمایه گذاری ۲۳/۸ درصد رشد ناخالص داخلی بوده ولی رشد اقتصادی منفی نشان می دهد اگر سیستم بانکی کارا عمل کند نه تنها به ارتقای سطح پس انداز کمک شایانی می کند، بلکه تخصیص هرچه مولدتر سرمایه گذاری را موجب می شود، که به رشد اقتصادی سرعت بیشتری می بخشد.

بخش عمده ای از اقتصاد به سرمایه های مالی یا دسترسی ندارند و یا دسترسی محدودی دارند و بخش عمده آن قادر به دریافت وام برای به ثمر رساندن طرح های تولیدی خود نیستند. به غیر از موضوع اعتبارات، موضوع نرخ واقعی بهره مطرح است. نرخ غیررسمی بهره پایین و موجب ارقام واقعی، منفی است. بنابراین پس انداز کنندگان انگیزه ضعیفی در سپردن پول هایشان به سیستم بانکی دارند. اصلاحات مختلفی برای توسعه و بهبود وضع مورد نیاز است:

> همزمان با اجرای فرآیند واگذاری ها در ازبکستان، برای نخستین بار تسهیلاتی برای پرداخت ایام بیکاری و خدمات کاریابی ایجاد شد و مبالغی نیز برای طرح های آموزشی در نظر گرفته شد

۱- دسترسی اعتبارات بانکی باید به نحو قابل ملاحظه ای توسعه یابد.

۲- یارانه های پرداختی به مؤسسات اعتباری نباید از طریق سیستم بانکی، بلکه از طریق وزارت دارایی پرداخت شود.

۳-نرخ بهره رسمی به حدی افزایش یابد که در مواقع تورم، سپرده گذاران بهره واقعی مثبت دریافت کنند.

۴- نرخ های وام بانکی هم باید به معنای واقعی مثبت باشد. (حداقل ۱۰ درصد در سال) و این نرخ ها برای مدتی طولانی پایدار بمانند تا تجار با حداقل ناطمینانی درباره بازار مالی بتوانند طرح های سرمایه گذاری خود را اجرا کنند.

■ **بازار کار**

در پاسخگویی به مشکلات بیکاری آشکار و پنهان، سیاست های اشتغال دولت از سال ۱۹۹۲ شروع شد. برای نخستین بار تسهیلاتی برای پرداخت ایام بیکاری و خدمات کاریابی ایجاد شد و مبالغی نیز برای طرح های آموزشی در نظر گرفته شد. اگرچه این برنامه ها دلخواه همگان بوده است ولی برای پاسخ به ابعاد این مشکل ناکافی بوده است و بدیهی است که باید کوششی گسترده در جهت ایجاد فرصت های شغلی جدید به عمل می آمد.

دستمزدها در بخش دولتی از سوی دولت تعیین می شود. در کوششی برای کنترل تورم، دولت دخالت خود را در بازار نیروی کار افزایش داده و در نتیجه اثر عرضه و تقاضا را خنثی کرده است. دولت با افزایش فصلی دستمزدها در بخش غیردولتی اجازه افزایش در قیمت های مورد هدف را نخواهد داد و اعلام کرده: «هرگونه پرداخت دستمزد اضافی، مشمول پرداخت جرایم مالیاتی با نرخ های سنگین خواهد بود.»

دولت باید در جهت مخالف حرکت کند. به جای تعیین دستمزدها، اجازه دهد فشار نیروی بازار این عمل را انجام دهند.

■ **قیمت آب**

تنها ۱۰ درصد خاک ازبکستان قابل کشت است و ۹۵ درصد زمین های زیر کشت نیازمند آبیاری است. تا سال ۱۹۹۴ آب کشاورزی کالایی مجانی بود. اما دولت مصمم شده است آب بها حداقل ۵۰ درصد هزینه های عملیاتی را شامل شود. این گام کوچکی در مسیر صحیح است وی هدف تا به حد امکان باید ایجاد یک بازار کارآمد آب باشد. بهداشت مردم وترقی بخش کشاورزی بستگی به این امر دارد. بنابراین، در آینده آب بها همچنین باید هزینه های سرمایه گذاری بر سیستم آب را پوشش دهد. تشویق هایی به عمل می آید تا بهره وری سیستم آبیاری موجود بهتر شود و سیستم را در وضع بهینه ای قرار دهد. سرمایه فیزیکی که در آبیاری به کار گرفته می شود نباید به عنوان یک کالای مجانی تلقی شود و نهایتاً درآمد حاصله از آب بها می تواند کمک عمده ای به بودجه کند.

■ **قیمت انرژی**

ازبکستان به جهت داشتن منابع فراوان انرژی به صورت گاز طبیعی یا نفت خام و زغال سنگ، سرزمینی با ثروت طبیعی فراوان است. قبل از استقلال صنایع گاز طبیعی توسعه یافته بود ولی بخش نفت خام بسیار ضعیف و کوچک باقی ماند. در ابتدای استقلال مشکلات متعددی پیش روی توسعه انرژی وجود داشت.

مسأله مهم دیگر در دوره گذار، «قیمت انرژی» است. توسعه و اصلاحات مؤثر در بخش انرژی، تولید را به سرعت توسعه خواهد داد. وضع مالیات در بخش انرژی در حال رشد می تواند در ظرف مدت چند سال به درآمد عمومی دولت کمک کند. در سال های اول استقلال هم مؤسسات و هم خانوارها با استفاده از یارانه، انرژی ارزان بخصوص نفت برخوردارند. قیمت های داخلی باید به سطوح قیمت های جهانی افزایش یابد تا مؤسساتی که انرژی مصرف می کنند به ناچار با یکدیگر رقابت کنند. و ساختار بخش صنعتی هزینه های واقعی تولید را منعکس کند. طبعاً صنایع انرژی در ازبکستان مورد توجه قرار می گیرند و دیگر لزومی ندارد که مزیت طبیعی را با کاهش مصنوعی قیمت انرژی از طریق یارانه فراهم آورد. بخش انرژی، باید به منبع درآمد دولت تبدیل شود و نه به عنوان منبعی برای پرداخت یارانه به صنایع قدیمی یا جدید تلقی شود.

■ **ارزیابی کلی**

تثبیت سطح عمومی قیمت ها و ایجاد بازارهای کارا در چند بخش استراتژیک، عوامل اصلی در چارچوب اقتصاد کلان هستند که برای نیل به یک دوره انتقال سریع و هموار از اقتصاد متمرکز به اقتصاد مبتنی بر بازار لازم است. سومین عنصر در چارچوب اقتصاد کلان باید سیاست هایی باشند که رشد را تقویت و فرصت های شغلی ایجاد کنند. چهار موضوعی که می توان به آنها اشاره کرد، عبارتند از:

۱- ایجاد فضا برای گسترش بخش خصوصی کاربر در مقیاس کوچک

۲- انتقال مالکیت مؤسسات دولتی موجود به بخش خصوصی

۳- تحول و توسعه اقتصاد روستایی

۴- طرح ریزی و اجرای برنامه های گسترده عمومی برای تسریع سرمایه گذاری و ایجاد اشتغال.

در نهایت کیت کریفین برای موفقیت در اصلاحات توصیه می کند اگر رشد اقتصادی سریع باشد و منافع حاصل از رشد میان جمعیت توزیع شود . او توصیه می کند تمرکز تلاش ها بر فضاسازی برای بخش خصوصی بزرگ و کوچک کاربر باشد. موانع بسیاری بر سر راه رشد سریع مؤسسات کوچک یا متوسط وجود دارد که باید تلاش در رفع این موانع در اولویت بالایی قرار گیرد. او همچنین توصیه می کند وقفه های موقتی در خصوصی سازی مؤسسات بزرگ صنعتی ایجاد شود تا کوشش انجام شده در هر یک از مراحل برنامه خصوصی سازی با هدف رشد کارایی و مساوات مورد ارزیابی قرار گیرد. در صورت لزوم باید تأکید بر خصوصی سازی، با افزایش کارایی مؤسسات صنعتی بخش عمومی جایگزین شود.

گریفین معتقد است انتقال و توسعه اقتصاد روستایی فرصتی برای رشد اقتصادی و منافع اجتماعی پیش می آورد و توصیه می کند که توسعه روستایی در بالاترین اولویت قرار گیرد. وی نهایتاً توصیه می کند که برنامه وسیع ایجاد اشتغال به نحوی ساماندهی شود که از طرفی اشتغال ایجاد کند و از طرفی دیگر تشکیل سرمایه را تسریع کند.

منبع:
۱- کیت گریفین. مروری بر جهانی شدن و گذار اقتصادی. محمدرضا فرزین. انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی . چاپ اول.

## مصوبات هیأت دولت

### تعیین الگوی مصرف برق خانگی

هیأت وزیران الگوی مصرف برق خانگی مناطق عادی (به جز فصل تابستان) و ماه های عادی مناطق گرمسیر را (به جز ماه شهریور در شهرهای بافق، کاشان، آران و بیدگل، قم و گرمسار) دویست کیلووات ساعت در ماه تعیین کرد.

براساس این مصوبه

۱- بهای برق ماهیانه مشترکان خانگی با مصارف ماهیانه صفر تا ۸۰ کیلووات ساعت بخشوده شود.

۲- بهای برق ماهیانه مشترکان خانگی مناطق گرم یک و دو به ترتیب با مصارف ماهیانه صفر تا ۱۹۰ و صفر تا ۱۵۰ کیلووات ساعت بخشوده و بهای برق ماهیانه سایر مشترکان مناطق یادشده با تعرفه های برق سال ۱۳۸۳ محاسبه شود. همچنین براساس این مصوبه بهای برق ماهیانه مشترکان خانگی مناطق گرم ۳ با مصارف ماهیانه صفر تا ۱۲۰ کیلووات ساعت بخشوده و بهای برق ماهیانه سایر مشترکان این مناطق با مصارف ۱۲۱ تا ۱۰۰۰ کیلووات ساعت با تعرفه های برق سال ۱۳۸۳ محاسبه شود. از سایر مشترکان، علاوه بر بهای برق ماهیانه به ازای هر کیلووات ساعت مصرف مازاد، جریمه ای معادل ضریب (۰/۸) متوسط بهای برق ماهیانه دریافت شود.

### گسترش همکاری ایران و ونزوئلا

هیأت وزیران با استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی تصویب کرد: به منظور بررسی و تعیین تعرفه های سود بازرگانی و ترجیحی، تعیین میزان جوایز صادراتی، صدور مجوز ایجاد مراکز آموزشی توسط دستگاههای اجرایی به استثنای وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، توزیع کمک ها و اعتبارات مربوط به کشور ونزوئلا، تشخیص تأسیس شعب بانک ها، صدور خدمات فنی و مهندسی و همچنین تصمیم گیری درباره سایر موضوعات مربوط به روابط اقتصادی و تجاری و پیشنهاد تعیین میزان منابع اعتباری مورد نیاز کمک به توسعه کشور ونزوئلا برای درج در لوایح بودجه سنواتی ستاد عالی همکاری های مشترک جمهوری اسلامی ایران و کشور ونزوئلا مرکب از معاون اول رئیس جمهور، «رئیس»، معاون اجرایی رئیس جمهور، وزیران امور خارجه، کشور، اطلاعات، امور اقتصادی و دارایی، نفت، راه و ترابری، نیرو، بازرگانی، ارتباطات و فناوری اطلاعات، رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می شود.

### چگونگی واگذاری سهام گوشت فارس

هیأت وزیران در برنامه زمان بندی واگذاری صد در صد سهام شرکت مجتمع صنعتی گوشت فارس از شرکت های زیر مجموعه شرکت مادر تخصصی تولید محصولات کشاورزی، دامی و منابع طبیعی به روش مزایده درسال ۱۳۸۵ را تعیین کرد. برنامه زمان بندی همه شرکت های مصوب واگذاری موضوع تصویب نامه شماره ۳۲۴۸۳/ت۵۸ هـ مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۸ برای واگذاری در سال ۱۳۸۶ تنفیذ شد و سازمان خصوصی سازی مجاز است در سال ۱۳۸۶ نسبت به ادامه عرضه سهام شرکت های دارای برنامه رامانبدی فروش که عملیات واگذاری آن ها به دلایل گوناگون تا انتهای سال ۱۳۸۵ به پایان نرسیده است، بر مبنای قانون و مقررات اقدام و در واگذاری آن ها تسریع کند.

### عضویت جهاد دانشگاهی در ستاد ملی جوانان

هیأت وزیران بنا به پیشنهاد سازمان ملی جوانان و به استناد ماده (۱۱۲) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۳ - تصویب کرد. جهاد دانشگاهی به ترکیب اعضای ستاد ملی ساماندهی امور جوانان، موضوع بند (۹) تصویب نامه شماره ۵۰۱۰ ۶/ت ۳۱۲۰۱ هـ مورخ ۸۳/۱۲/۲۶ اضافه می شود. این مصوبه برای اجرا ابلاغ شد.

### مناطق نمونه گردشگری

هیأت وزیران به استناد ماده ۸ قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری- مصوب ۸۲ تصویب کرد. مناطق زیر به عنوان مناطق نمونه گردشگری در استان های بوشهر و چهارمحال و بختیاری تعیین شوند. مناطق عباسک، پیر غارده چشمه، سیاسرد بروجن دراستان های بوشهر و چهارمحال بختیاری . این تصویب نامه ناقض و نافی اختیارات سازمان حفاظت محیط زیست در باره منطقه های چهارگانه تحت مدیریت سازمان یاد شده نخواهد بود.

### کمک ۱۰ میلیارد ریالی دولت به کارکنان نیروی انتظامی

هیأت وزیران بنا به پیشنهاد وزارت کشور و تأیید سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و به استناد ماده ۵۵ قانون محاسبات عمومی کشور - مصوب ۱۳۶۶ - تصویب کرد که مبلغ ۱۰ میلیارد (۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال از محل اعتبار ردیف ۵۰۳۰۰۱ (هزینه های پیش بینی نشده) قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور برای پرداخت به کارکنان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که در ایام تعطیلات نوروزی سال ۸۶ مشغول فعالیت بوده اند، اختصاص یابد تا با رعایت قوانین و مقررات مربوط هزینه شود.

### شصت منطقه نمونه گردشگری در لاهیجان

هیأت وزیران که در مرکز استان گیلان تشکیل شد، به استناد ماده ۸ قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری - مصوب ۱۳۸۲ - تصویب کرد، شصت منطقه به عنوان منطقه نمونه گردشگری و شهرستان لاهیجان به عنوان شهرستان نمونه گردشگری (طبیعی - تاریخی) تعیین شود. تبصره - سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور موظف است اعتبارات لازم برای انجام مطالعات و ایجاد زیرساخت های مورد نیاز را در لوایح بودجه سنواتی سال های برنامه چهارم توسعه پیش بینی کند.